

مقاله پژوهشی

معرفی و تحلیل زندگی‌نامه خودنوشت (خاطرات سیاسی) امین الدوله و سبک‌شناسی آن

مهدی اسلامی

گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، قم، ایران.

فروردین ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۱، صفحات ۳۰-۱۷

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۵۷۰۴

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: یکی از مهمترین شاخه‌های زندگی‌نامه‌نویسی، زندگی‌نامه خودنگاشت است. این گونه ادبی کارنامه‌ای درباره جنبه‌های بیرونی و درونی زندگی است که توسط خود نگاشته میشود. توجه ایرانیان به این نوع ادبی بصورت جدی از دوره قاجاریه آغاز میشود. این گونه ادبی قابلیت انعکاس مسائل اجتماعی-سیاسی و ادبی یک دوره خاص را داراست. یکی از این نمونه‌های نخست، در عرصه سیاسی ایران و آن هم اتوبیوگرافی امین‌الدوله، از رجال سرشناس دوره قاجاریه است. این پژوهش با هدف معرفی و تحلیل سبک‌شناسی زندگی‌نامه خودنوشت امین‌الدوله انجام شده است.

روش مطالعه: این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده این است که در سطح زبانی و ادبی «امین-الدوله» برای بیان منظورش از ابزارهای زبانی و ادبی متعددی استفاده کرده است که مهمترین آنها تلفیق عبارتهای فارسی با آیات، مثلهای عربی، بهره‌گیری از زبان طنز در قالبهای مختلف همچون استعاره‌های تهکمی، تعریض و... است. نویسنده در سطح محتوایی در بازنمایی مسائل مربوط به دربار و رویدادهای آنجا به تطویل و حاشیه قلم رانده است و از طرف دیگر مشکلات اساسی و گرفتاریهای مردم عادی جامعه جایگاه چندانی در این اثر ندارد.

نتیجه‌گیری: خاطرات امین‌الدوله نوشته‌ای است که وی بعنوان سند و مدرکی دال بر بی‌گناهی خود از جریان‌های سیاسی نگاشته است. چنین زندگی‌نامه‌ای ماهیتاً نمیتواند به میثاق خودزندگی‌نامه‌نویسی یعنی راست‌گویی پایبند باشد؛ ازاینرو میتوان گفت که امین‌الدوله در بازگویی کردار و اخلاق خود بگونه‌ای «گزینشی» عمل کرده و از ابزارها و تمهیدات زبانی و ادبی، برای اقناع مخاطب استفاده کرده است.

تاریخ دریافت: ۱۱ آذر ۱۳۹۹
تاریخ داوری: ۱۴ دی ۱۳۹۹
تاریخ اصلاح: ۲۵ دی ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش: ۱۳ اسفند ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

زندگی‌نامه خودنوشت، قاجاریه، سبک‌شناسی، امین‌الدوله، خاطرات سیاسی.

* نویسنده مسئول:

m.eslami@isri.ac.ir

۳۲۸۵۳۸۰۴ (۰۲۵-۰۹۸)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Introduction and analysis of Amin al-Dawla's autobiography (political memoirs) and its stylistics

M. Eslami

Department of Persian Language and Literature, Imam Sadegh (AS) Institute of Islamic Sciences, Qom, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۰۱ December ۲۰۲۰

Reviewed: ۰۳ January ۲۰۲۱

Revised: ۱۴ January ۲۰۲۱

Accepted: ۰۲ March ۲۰۲۱

KEYWORDS

autobiography, Qajar, stylistics, Amin al-Dawla, political memoirs.

*Corresponding Author

✉ m.eslami@isri.ac.ir

☎ (+۹۸ ۰۲۰) ۳۲۸۰۳۸۰۴

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: One of the most important branches of biography is autobiography. This literary genre is a self-written biography of the external and internal aspects of life. Iranians' attention to this type of literature begins in earnest from the Qajar period. This literary genre has the ability to reflect the socio-political and literary issues of a particular period. One of the first examples in the political arena of Iran, namely the autobiography of Amin al-Dawla, is one of the famous men of the Qajar period. This research has been done with the aim of introducing and analyzing the stylistics of Amin al-Dawla's autobiography.

METHODOLOGY: This research was conducted in a descriptive-analytical manner.

FINDINGS: The findings of the research show that at the linguistic and literary level, "Amin al-Dawla" has used various linguistic and literary tools to express her meaning, the most important of which is the combination of Persian phrases with verses, Arabic proverbs, Coming from the language of humor in various forms such as metaphors of comprehension, elaboration, etc. In terms of content, the author has lengthened and marginalized the representation of issues related to the court and its events, and on the other hand, the basic problems and troubles of ordinary people in society have little place in this work.

CONCLUSION: Amin al-Dawla's memoirs are writings that he wrote as a document proving his innocence from political currents. Such biographies cannot inherently adhere to the Covenant of Autobiography, ie truthfulness; Therefore, it can be said that Amin al-Dawla has acted "selectively" in narrating her actions and ethics and has used linguistic and literary tools and arrangements to convince the audience.

DOI: [1۰,۲۲-۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۰,۰۷-۴](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.10.07.4)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 10	 .	 .

مقدمه

زندگی‌نامه یکی از انواع ادبی است که به شرح زندگی یک یا چند شخصیت می‌پردازد و ممکن است مفصل یا کوتاه، عمیق یا سطحی باشد. در این میان زندگی‌نامه‌ی خودنگاشت، کارنامه‌ای است که فرد درباره‌ی خودش نوشته شده است. زندگی‌نامه‌ی خودنگاشت نوع جدیدی است که بعد از انقلاب صنعتی شکل گرفت. ایرانیان به نگارش زندگی‌نامه‌های خودنگاشت، بدلیل اختناق، بی‌ارزش بودن این نوع نگارش و نیز نبود نمونه‌ای مشهور، تمایل نشان نمی‌دادند. توجه ایرانیان به این نوع ادبی، به اواخر دوره قاجار و آغاز مراده با غرب بازمی‌گردد. در این زمان است که نخستین بار در ادب سیاسی ایران با چنین نمونه‌هایی مواجه هستیم. تحلیل و بررسی چنین متونی می‌تواند بسیاری از زوایای تاریک مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را روشن نماید. بتدریج نگارش زندگی‌نامه‌ی خودنوشت یکی از انواع رایج ادبی در آثار ایرانیان میشود. علی‌رغم اهمیت این موضوع و ارتباط تنگاتنگ این نوع ادبی با سیاست و جامعه، تا کنون پژوهش دقیق و مفصلی درباره‌ی این موضوع انجام نشده است.

سابقه پژوهش

پژوهشهای انجام‌شده درباره‌ی امین‌الدوله معطوف به بررسی مسائل تاریخی است و تاکنون پژوهشی با موضوع بررسی مباحث سبک‌شناسی و ادبی زندگی‌نامه‌ی امین‌الدوله انجام نشده است. قنبری و فدوی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به بررسی موضوع «نوسازی تصوف» پرداخته‌اند. از سوی دیگر رویکرد رساله‌های دانشجویی نیز بیشتر معطوف بررسی زندگی سیاسی (محمدزاده، ۱۳۹۷) و افکار و اصلاحات امین‌الدوله (نادریپور، ۱۳۸۰) است.

بحث و بررسی

زندگی‌نامه و انواع آن

زندگی‌نامه دربرگیرنده «تمام یا بخشی از زندگی فردی است که نویسنده با آگاهی بر احوال وی مینویسد» (زندگی‌نامه‌ها و چگونگی پیدایش آنها، محمد عبدالغنی: ص ۹)؛ البته نگارش میبایست بر پایه «اسناد، خاطره یا هرگونه شواهد دسترس‌پذیر» باشد (فرهنگ زندگی‌نامه‌ها، انوری: ص ۹). در تعریف فرهنگ کادن از زندگی‌نامه بر جنبه تاریخی آن تأکید شده است. در این کتاب زندگی‌نامه «تاریخ زندگی اشخاص معین» (فرهنگ اصطلاحات ادبی، کادن: ص ۴۵۲) دانسته شده است. «ترجمه حال» و «کارنامه» (فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد: ذیل زندگی‌نامه) از دیگر معادلات زندگی‌نامه است. شمیسا در کتاب انواع ادبی خود تعریفی از زندگی‌نامه ارائه نداده اما بر تشخیص و رجال بودن کسی که زندگی‌نامه‌اش نوشته میشود، تأکید کرده است (انواع ادبی، شمیسا: ص ۲۸۲). از طرف دیگر خاص بودن زندگی فردی و تداوم تشخیص نیز محدوده انواع زندگی‌نامه‌ها را محدودتر میکند «حکایت کتبی یا شفاهی منثور که راوی از زندگی شخصیتی تاریخی بدست میدهد (نقد ادبی در قرن بیستم، ایوتادیه: ص ۲۹۷).

در قرآن کریم و فرهنگ اسلامی بر خواندن رخدادهای گذشته و عبرت گرفتن از آنها، تأکید شده است؛ از همین رو در دین اسلام به زندگی‌نامه‌نویسی و ثبت رخدادهای، توجه بسیاری شده است که از مهمترین آنها، افزون بر آیات قرآن کریم، به کتابت سیره و رجال میتوان اشاره کرد.

در دوره معاصر «مهمترین زندگی‌نامه‌ها را میتوان در قالب روزنامه خاطرات، وقایع‌نگاری، خاطره‌نگاری، سفرنامه و حدیث نفس جای داد» (بررسی و مقایسه زندگی‌نامه‌های خودنوشت در ایران و مغرب زمین، اسلامی: ص ۳۰).

وجه مشترک همه این انواع در این است که راوی رویدادهایی را انتقال می‌دهد که به گمان او واقعاً اتفاق افتاده است و چیزهایی را مینگارد که خود از نزدیک شاهد وقوع آنها بوده است. در این میان «وقایع‌نگاری» در مرز «تاریخ‌نگاری» جای دارد و حدیث نفس را میتوان در زمره داستان‌پردازی قلمداد کرد.

اتوبیوگرافی (زندگی‌نامه خودنوشت)

کلمه اتوبیوگرافی به زندگی‌نامه شخصی، سرگذشت خود، زندگی‌نامه خودنوشت و شرح حال ترجمه شده است. این اصطلاح بیانگر زندگی‌نامه‌ای است که شخص، خود آن را نوشته است (اتوبیوگرافی و مباحث نظری آن در فرانسه، مودن و جواری: ص ۱۰۳). با بررسی اتوبیوگرافی میتوان گفت که اغلب آثار این حوزه یا به بازنمایی حوادث بیرونی معطوف است و یا محور اصلی آن شرح و بازگفت اندیشه‌ها و نفسانیات درونی است. افزون بر این از دیدگاه تنوع متون خودنگاشت باید به عواملی چگونی نوشتن و شیوه گزارش احوال اشاره کرد. از این نظر میتوان سرگذشت‌نامه‌های خودنگاشت را به دو قسم «شرح احوال‌نویسی» و دیگر «یادداشت روزانه‌نویسی» تقسیم کرد. همانگونه که گفته شد نخستین نمونه‌های زندگی‌نامه خودنوشت در دوره قاجار و در میان افراد سرشناس که در دستگاه حکومت حضور داشتند، نوشته شده است. یکی از این افراد که اقدام به تدوین زندگی‌نامه و خاطرات سیاسی خود نموده است میرزا علی خان امین‌الدوله است.

میرزا علی خان امین‌الدوله

میرزا علی خان که دارای القابی از قبیل منشی‌حضور، امین‌الملک و امین‌الدوله بود، پسر حاج محمدخان سینکی مجدالملک (صاحب رساله مجدییه) میباشد. اجداد امین‌الدوله اصالتاً مازندرانی بوده ولی چون در «سینک» از قرای «لواسان» دارای ملک و املاک بودند، به سینکی معروف بودند (هزار فامیل، شعبانی: ص ۱۲۵). میرزا علی خان در سال ۱۲۶۰ ه.ق. در تهران متولد شد. پدرش در خدمت وزارت امور خارجه بود. در سن نوزده‌سالگی به سمت نیابت اول وزارت امور خارجه تعیین گردید و تا سال ۱۲۹۰ ه.ق. که ملقب به امین‌الملک شد، لقبش «منشی حضور» بود (شرح حال رجال ایران، بامداد: ص ۳۵۵).

در سال ۱۲۸۸ ه.ق. مسؤلیت «چارپارخانه‌های» دولتی (پستخانه) به او سپرده شد (تاریخ بیداری ایرانیان، کرمانی: ص ۷۸). و در سال ۱۲۹۰ ه.ق. به لقب امین‌الملک و منصب وزارت «رسائل نایل» آمد. در سال ۱۲۹۹ ه.ق. به امین‌الدوله ملقب شد و در سال ۱۳۰۴ ه.ق. به ریاست مجلس «دارالشوری» دولتی برگزیده شد (زندگی سیاسی اتابک اعظم، امیری: ص ۷۸). وی در سال ۱۳۰۶ ه.ق. به همراه ناصرالدین شاه به اروپا رفت و از مشاهده اوضاع عمومی و نظم اجتماعی آنجا درصدد برآمد تا در ایران نیز این ترقی را رونق دهد (همان، بامداد: ص ۳۶۱).

یکی از خط‌مشی‌های سیاسی امین‌السلطان در دوران صدارت خود دور کردن رقبای خویش از مرکز بود؛ لذا هنگامی که مظفردالدین شاه به سلطنت نشست، امین‌السلطان درصدد برآمد تا امین‌الدوله را که رقیب وی بشمار می‌آمد، از تهران دور نماید. امین‌الدوله بناچار برخلاف میل خود به دستور شاه و با صواب‌دید اتابک به پیشکاری و وزارت آذربایجان مأمور شد (خاطرات سیاسی، امین‌الدوله: ص ۱۷).

امین‌الدوله بناچار به تبریز رفت و علیرغم مشکلات فراوان مشغول فعالیت شد (رهبران مشروطه، صفائی، همان: ص ۳۶۵). با عزل امین‌السلطان به سمت ریاست مجلس وزراء انتخاب و سپس در رمضان سال ۱۳۱۴ ه.ق. وزیر اعظم و پس از پنج ماه به صدر اعظمی انتخاب نمود (شرح حال رجال ایران، بامداد: ص ۳۲). امین‌الدوله چون در سیاست داخلی بعلت عدم پذیرش اصلاحات و مخالفت درباریان با شیوه صدارت وی، دشمنی اتابک و مشیرالدوله

با او و در سیاست بعلت عدم همکاری انگلیسیها و روسها، با شکست روبرو گردید، قبل از اینکه عزل شود از این مقام در محرم سال ۱۳۱۶ ه.ق استعفاء داد (همان، صفائی: ص ۲۴). وی پس از استعفاء از صدارت به مکه رفت و سپس در «لشت نشای» رشت، اقامت گزید. بدلیل نامه انتقادآمیزی که به شاه نوشت مجبور به ترک ایران شد. بعد از عزل اتابک از صدارت، او به ایران برگشت تا اینکه در سال ۱۳۲۲ ه.ق در همانجا درگذشت (همان: ص ۲۷).

خاطرات سیاسی امین‌الدوله

این کتاب شرح حال «میرزا علی خان امین‌الدوله» به قلم خودش است. تألیف خاطرات امین‌الدوله میان تاریخ آخرین رویداد مندرج در آن و مرگ وی (۲۲ صفر ۱۳۲۲) صورت گرفته است. به گفته حافظ فرمانفرمایان نسخه اصلی این کتاب عنوانی نداشت و (ما) بدان عنوان «خاطرات سیاسی امین‌الدوله» دادیم (همان، امین‌الدوله: ص ۵). این کتاب مهمترین اثر منشور میرزا علی خان امین‌الدوله بشمار میرود و روایت اوضاع آشفته جامعه ایرانی در آستانه ظهور قاجاریه است. نویسنده بخش نخست کتاب را به سلطنت سه پادشاه قاجار آقا محمدخان، فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار اختصاص داده است و در پایان این بخش به بازگویی کشته شدن امین‌السلطان در زمان سلطنت محمدعلی‌شاه میپردازد. مباحث عمده پس از این مطالب، متشکل از: صدارت میرزا تقی‌خان امیرکبیر، روایت عشق ناصرالدین شاه به جیران تجربی، اعمال ناصرالدین شاه در اداره مملکت، قرارداد رویترا، افتتاح مشورت‌خانه، سپهسالار اعظم، کارهای خود مؤلف در پست و دارالضرب، سفرهای شاه به فرنگستان، مطالبی درمورد «امین‌السلطان»، مجلس جدید، ملیجک و ملکم‌خان است.

امین‌الدوله در کتاب خود انتقاداتی به ناصرالدین شاه وارد میکند که تشکیل‌دهنده قسمت قابل‌توجهی از مطالب کتاب است. پس از قتل ناصرالدین شاه، امین‌الدوله مطالب خود را با بیان چگونگی قتل ناصرالدین شاه و حکومت مظفردین شاه از سر میگیرد و درنهایت با عزل امین‌السلطان، شروع به کار کابینه جدید، تقرب مجدد امین‌الدوله (مؤلف) نزد مظفردین شاه، برخورد امین‌الدوله با علما، کارهای میرزا فرمانفرما در امور حکومتی، مباحث مرتبط با «نصرالسلطنه» و مشیرالسلطنه و تقسیمات گمرک در صفحه ۲۳۶ به پایان میرساند.

تحلیل و سبک‌شناسی اثر

در این پژوهش نخست ویژگیهای زندگی‌نامه‌ای و سپس کیفیت روایت اوضاع اجتماعی سیاسی مورد بررسی واقع شده است؛ در بخش سوم سطح زبانی و سرانجام در بخش چهارم، سطح ادبی مورد پژوهش قرار گرفته است.

ویژگیهای زندگی‌نامه‌ای

صحت انتساب به مؤلف آن

با بررسی کیفیت و سبک انشای اثر باید گفت که قسمتهای پایانی اثر بویژه در ۳۶ صفحه آخر با صفحات پیشتر متفاوت است. این بخش، علاوه بر استفاده از جملات کوتاه، با سبک و شیوه امین‌الدوله بکلی مغایر است. همچنین این نکته شایان ذکر است که در بخشهای آخر کتاب به ماجراها و رویدادهایی اشاره شده که بعد از مرگ امین‌الدوله به وقوع پیوسته است. با توجه به نکات بیان‌شده نظر حافظ فرمانفرمایان را باید پذیرفت «که ۳۶ صفحه پایانی کتاب نوشته امین‌الدوله نیست» (همان، امین‌الدوله: مقدمه). قسمتهای پایانی استحکام و زیبایی قسمتهای پیشین را ندارد و انتقادات قسمت پایانی به نظر مغرضانه‌تر و از ظرافت خالی است. گویا قسمتهای پایانی آن را پسرش، محسن خان معین‌الملک، که بعدها ملقب به «امین‌الدوله دوم» شد، تکمیل کرده است.

نگرش خاطرات سیاسی امین‌الدوله

زندگی‌نامه‌های خودنگاشت از حیث نگرشی که به موضوعات دارند به دو دسته جزئی‌نگر و کلی‌نگر تقسیم میشوند. امین‌الدوله بدلیل اینکه در کتاب قصد دارد دیدگاه‌های سیاسی خود را بازگو کند، نمیتواند دیدگاهی جزئی‌نگر به مسائل داشته باشد. همچنین وی این کتاب را به مانند کارنامه اعمال یا بمثابه دفاعیه‌ای از کردار خود نگاشته است؛ پس لزوماً در پی ارائه اندیشه‌های خود است. «مراد از این کتاب بیان اجمالی از احوال وطن عزیز و ماجرای عصر است که آن انسان لفی خسر، تا به دیده عبرت گنهکار از درست‌کردار بشناسیم و خطا از صواب جدا کنیم درد را بدانیم» (همان: ص ۳).

همچنین داشتن دید جزئی‌نگر مستلزم روزانه‌نگاری مطالب و وقایع زندگی است؛ امین‌الدوله نیز با توجه به شواهد و قرائین مندرج در کتاب خاطراتش، آن را بصورت روزانه به تحریر درنیاورده، بلکه پس از اتمام دوران خدمت درباریش به شیوه تحلیلی به مسائل دلخواه پرداخته است. همچنین داشتن دید جزئی‌نگر و یا کلی‌نگر با عامل شرکت در رویدادها کاملاً مرتبط است. از اینرو میتوان گفت امین‌الدوله با نوشتن خاطرات به تفسیر و شرح تاریخ دوره‌ای که خود در آن شرکت داشته و نیز تحلیل و تفسیر موضوعاتی که رقبای سیاسی او حضور داشته‌اند، پرداخته است.

ارتباط با خواننده

زندگی‌نامه‌های خودنوشت از لحاظ نحوه ارتباط با خواننده (اینکه تا چه حد با خواننده صمیمی هستند) به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم میشود: با مطالعه کتاب «خاطرات سیاسی امین‌الدوله» میتوان چنین گفت خاطرات امین‌الدوله نوشته‌ای است که وی بعنوان سند و مدرکی دال بر بی‌گناهی خود از جریانات غلط سیاسی نگاشته است. چنین زندگی‌نامه‌ای ماهیتاً نمیتواند به آن میثاق خود زندگی‌نامه‌نویسی یعنی راست‌گویی کامل پایبند باشد. پس زندگی‌نامه «امین‌الدوله» ویژگی زندگی‌نامه‌های خودنگاشت رسمی را داراست و صمیمیت زیادی با خواننده بوجود نمی‌آورد.

بازنمایی «من» نویسنده

همانگونه که گفته شد، زندگی‌نامه سیاسی امین‌الدوله در بازگویی اعمال، کردار و اخلاق نویسنده بگونه‌ای «گزینشی» عمل کرده است؛ بدین معنی که تنها رفتارهایی را که با فرهنگ جامعه ایرانی و بافت مذهبی آن دوره سازگاری دارد ارائه داده است. در هیچ قسمتی از این کتاب، خواننده نمیتواند نمونه‌ای برای اخلاق خلاف هنجار یا افکار نسنجیده از امین‌الدوله بیابد. همه رفتارها و گفتارهایی که از خود ارائه داده، از او یک چهره موجه، سختکوش، منتقد، و طرفدار حق را بتصویر کشیده است:

«... آنجا هم (اداره پست) اظهار کفایتی کرد و بی آنکه در خرید اسباب به فرنگستان حاجت افتد به دست نایب مدیر که مردی عالم... در زمان قلیل به عرض شاه رسانید که دارالضرب دولتی ساخته و پرداخته است... شاه با اکابر و وزرا آمدند، از حسن ترتیب و پاکیزگی و نظافت دستگاه و هر نوع مسکوکات طلا و نقره که ساخته میشد، میرزا علی‌خان را آفرین میگفتند و شاه با کمال مرحمت قلبی سرداری شمس‌مرصع خودشان را به امین‌الملک خلعت دادند... این دو امتحان بیشتر از سابق میرزا علی‌خان را محل توجه و اعتقاد شاهنشاه کرد» (همان: ص ۵۲).

پس از آنکه عرایض خود را به شاه درباره اصلاحات بیان میکند: «شاه را این جواب پسند آمد، و طوری اظهار مرحمت و حسن عقیدت فرمود که حاضرین مقام امین‌الدوله را بلند دیدند. او به شهر نرسیده، شهرتش به دور و نزدیک رسید و بدانسان که عادت ایرانیان است، حضرتش محط رحال و مهبط آمال شد. اعالی و دانی گرد آمدند... همه روز از بام تا شام خوان طعام گسترده داشت و از زحمت واردین روی در هم نمیکشید» (همان: ص ۲۲۳).

مسائل اجتماعی و سیاسی

زندگی‌نامه‌ها بدلیل دربرداشتن اطلاعات ارزنده و ناگفته از یک دوره تاریخی باعث روشن شدن حقایق زیادی میشوند. زندگی‌نامه‌نویس بدلیل رؤیاریی مستمر با بسیاری از افراد و پدیده‌های جامعه، این موارد را ثبت میکند و با توجه به ذهنیت خود، آنها را در نوشته‌هایش انعکاس میدهد. قضاوت درباره افراد مختلف جامعه و بیان ویژگی‌های اخلاقی و کارآمدی آنها و نوع باورها و رفتارهای مردم، و بسیاری موارد دیگر از جمله مطالب مهم منعکس شده در زندگی‌نامه‌ها هستند. زندگی‌نامه امین‌الدوله نیز از این قاعده مستثنی نیست. قضاوتها و انتقادهای امین‌الدوله از افراد مختلف جامعه و اعمال آنها نیز ابعاد گسترده‌ای از جامعه دوره قاجار را میتواند به خواننده بشناساند.

انتقاد از وضعیت سیاسی و افراد

یکی از موارد برجسته شخصیتی امین‌الدوله داشتن دیدگاهی انتقادی به امور، مسائل و اشخاص سیاسی، جامعه و دربار است که بنابه اقتضای موضوع مورد بحث، آنها را مطرح میکند. بازتاب وضعیت سیاسی اجتماعی دوره قاجار کاملاً شکل انتقادی دارد؛ از جمله انتقادات امین‌الدوله در این بخش را در موارد زیر میتوان بیان کرد:

وضعیت فلاکت‌بار ایران در عرصه بین‌الملل و همچنین دخالت کشورهای از قبیل روسیه (همان: ص ۲۱۸)؛ بر سر کار آمدن افراد بی‌کفایت در امور مهم دولتی (همان: ص ۶۲)؛ کشورداری ناصرالدین شاه (همان: ص ۸۶)؛ سفرهای شاه با زنان (همان: ص ۹۱)؛ اوضاع پولی ایران که مغشوش و بهم‌ریخته است (همان: ص ۶۹ و ۸ و ۱۲۷).

وی هنگامی که در مورد «میرزا نبی خان قزوینی» اظهار نظر میکند، او را اینگونه توصیف میکند: «این شخص هم که با تنگدستی و تنگ‌مائی متجمل و گرفتار هوای مال و مبتلا به تکلفات معاش و منزل بود، برای اندوختن وجوه که کفاف خرج کند، از هر گونه بی‌مبالاتی در امور دیوانی دریغ نداشت و با نوعی ابرام و سماجت در حضور شاه مقاصد خود را پیش میبرد. در پست کردن و سست نمودن مقامات و امتیازات دولتی و توسل بیجا و کارسازی بی‌محل او را هم یکی از آفات و امراض ایران باید شمرد» (همان: ص ۲۰).

در توصیف و بررسی شخصیت «آقا ابراهیم آبدارباشی» اینگونه مینویسد: «به اقتضای پستی مقام و حرص به منافع با همه به ادب و مهربانی سلوک میکرد و در احسان و انعام به وجوه خزینه و ملبوس دوخته قناعت داشت» (همان: ص ۲۴).

برای بازنمایی شخصیت «آقا ابراهیم آبدارباشی» توصیفات خود را محدود به موارد بالا نمیکند و با اشاره به گذشته او، چهره وی را مخدوشر می‌کند. «در صرفه‌جویی بحدی بود که مصارف سالیانه خود و عیالش را از فاضل کباب پادشاهی و آنچه برای آبدارخانه مقرر داشت کفایت کرده موجب و سیورسات و مداخل و انعامات را یکجا ذخیره مینمود... زنش به قناعت تاب نیاورد و مرد... زن دیگر خواست... در قناعت و لغامت و صرفه‌جویی بالادست شوهر را گرفت...» (همان: ص ۲۵).

رفتارها و باورهای عامیانه ایرانی

هرچند انعکاس رفتارها و باورهای عامیانه مردم در زندگی‌نامه امین‌الدوله سهم اندکی دارد، از میان این اطلاعات اندک نیز میتوان به سیمای جامعه آن دوره پی برد. یکی از نشانه‌های پایبندی جامعه دوره قاجار به باورهای غلط، رونق بازار جادوگری در تهران است. «در تهران دراویش صاحب نفس و رمال و جفار چربدست و اعدادیون با مهارت و اقطاب کارآموده، دکانی گشوده داشتند. متاعی آماده و از پی مشتری دامها نهاده، گاهی دختران بی‌خردار و زنهای هوودار، عشاق بی‌پول، خدام احمق و گول را با ایشان سروکار بود» (همان: ص ۱۲۵). به گفته مؤلف مسئولان بلندمرتبه دربار نیز در این میان افزون بر اعتقاد به این باورها، رونق‌دهنده اینگونه خرافات و باورهای غلط نیز بودند. «امین‌السلطان از نو این بازار را آذین بست و بر این نیرنگ‌جات احمقانه وقعی گذاشت. نایب‌السلطنه هم که جانشین سپهسالار است در احیای این آثار کمتر از او نمی‌جنبد. پیوسته یهود و مسلم، درویش و... در این دو دایره مشغول خدمتند و اصحاب نفس و همت ختوم و طلسمات از دور و نزدیک در کار و وجوه به دعاوی شیادان دور می‌زند» (همان).

تقلید از کشورهای غربی

از ویژگیهای مشخص دوره قاجاریه تأثیر فرهنگ غربی در شئون مختلف بر افراد حکومتی و مردم عادی است؛ اما این ویژگی هنگامی بیشتر خودنمایی میکند که اکثر این تقلیدها به شیوه صحیح نیست یا با فرهنگ جامعه ایرانی سازگاری ندارد و پس از مدتی محکوم به شکست است. بعنوان نمونه در بحث «زیبا کردن شهر تهران» «امین‌الدوله» اینگونه نوشته است: «شاه در تعمیرات و آبادانی باغها هوس مخصوص داشت و میخواست شهر تهران پاکیزه و نظیف باشد، چنانکه فرخ‌خان کوچه‌های اراک دولتی را به دستور کوچه‌های فرنگستان با سنگ تراشیده مفروش کرد، افسوس که چون از راه غلط بود و سبب لغزش اسب و کالسکه میشد دوباره با خرج و زحمت مجدد سنگها را از معابر برچیدند» (همان: ص ۱۵).

بازنمایی مردم

در این کتاب خواننده حضور مردم یا رعیت را خیلی کم میبیند. بحث درباره حرمسرا، زنان شاه، زدوبندهای درون دربار، مسائل مربوط به روسیه و انگلیس، عوض شدن صدراعظم و... بقدری زیاد است که مردم کاملاً در حاشیه مانده‌اند. مؤلف درباره کوچکترین و جزئیترین حوادث و اتفاقات دربار به تطویل و حاشیه قلم رانده است، اما هنگامی که به بزرگترین و اساسیترین مشکلات مردم این دوره میرسد، گذرا از آن رد میشود. نگاهی به عناوین اصلی کتاب مؤید این نکته است که جز حضور اندک مردم یا حضوری که ابزاری در خدمت حکومت است نشانی نمی‌بینیم. از ۳۰۶ عنوانی که در کتاب وجود دارد تنها ۱۰ عنوان مربوط به مسائل مردم است و تنها درباره یکی از زنهای ناصرالدین‌شاه ۶ عنوان موضوع، مطرح شده است (ن.ک: همان: صص ۱۲۶-۱۸ و ۱۷۴-۱۷۷). نمونه‌های اندکی هم که درباره مسائل مردم و مشکلات مردم مطرح میشود، بیشتر شائبه بازنمایی جنبه مردم‌داری امین‌الدوله را به ذهن متبادر میکند (همان: صص ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۱۵).

جایگاه ناصرالدین شاه در کتاب

دیدگاه نویسنده به ناصرالدین شاه را از زاویای مختلف میتوان مورد بررسی قرار داد که شامل توصیف چهره و

توصیف عاشقانه از قامت او تا کشورداری و... است، اما نکته مهمتر این است که دیدگاه نویسنده دچار تحول کامل میشود و آن سیمای ملوکانه لطیف‌اندام در ابتدای کتاب را آماج نقدهای گزنده میکند. «ناصرالدین شاه خلقتی زیبا و اخلاق ملکی داشت، هر که او را دیده بود میدانند برای پادشاهی اگر هیكلی میخواستند بایستی به آن شمایل ساخته میشد. بشرة سفید و لطیف‌اندام، موزون و ظریف، دست و پا کوچک و خوش‌نما، ابروان کشیده و پیوسته، چشمان درشت با مژگان بلند، موی سر و ریش و سبیل نازک و خوش‌رنگ، قامت و گردن به‌اندازه بلند» (همان: ص ۱۰).

«شاه بشخصه مراقب نظم امور مملکت است. راه عرض حاجات و تظلمات به عدد انفس‌الخلایق به حضور شاه مفتوح و چنان لطف خاصش با هر تن بود که هر بنده گفתי خدای من است.. در رعایت ناموس و محافظت حرمخانه جهدی بلیغ و اهتمامی تمام میفرمود و بزرگترین صفت شاهانه او حفظ اسرار بود» (همان: ص ۱۴-۱۵).

پس از بازگشت «ناصرالدین شاه» از ممالک عثمانی، امین‌الدوله این جنبه از کار «ناصرالدین شاه» را مینگارد. «از ملاحظات سفر بغداد دیدم که باید در سر دیرک چادرهای سربازی بیدق کوچکی از خارج نصب شود» (همان: ص ۲۹).

«ناصرالدین (شاه) در همه امتحانات و مطالعات خویش مردم را معیوب میبیند و از اعتقاد خود به مردم میکاهد و در یک نفرت مأیوسانه به تن‌آسایی و لذات نفسانی راغبتر و از قید مملکت و رعیت فارغتر مینشیند» (همان: ص ۱۰۳).

زنان حرم‌سرا

یکی از نشانه‌های ضعف حکومتداری در دوره قاجاریه تأثیر آرا و عقاید زنان حرم‌سرا بر افکار شاهان یا درباریان است که این روند بخصوص در اواخر حکومت قاجار شکل جدیتری به خود میگیرد و گاه موجب بوجود آمدن صدمات جبران‌ناپذیر بر پیکره جامعه شده است. «در همین اوقات (ناصرالدین شاه) از اتباع حرم که نزد مادر شاه در مسلک مغنیات و رامشگران بود، پادشاه به او (جیران تجربیشی) الفتی و مهری پیوست. صیغه جاری و بعنوان تمتع در سلک جواری آمد. موضع عشق شاه شد و وجود نازنین ناصرالدین را اسیر خود دید، (جیران) میخواست معشوقیت خود را که مستلزم مطاعیت است به مردم جلوه دهد، در کارهای مشکل حاجت میشد و توسط او مردود نمیشد، چون از دونان و دهقان‌زادگان شمیران بود در مهمام عمده اظهار قدرت میکرد که به نظر مردم بزرگ دیده شود» (همان: ص ۱۱).

سطح زبانی

واژه‌های بیگانه

از ویژگیهای نثر این دوره تأثیرپذیری از غرب هم از حیث اقتباس برخی درونمایه‌های آثار ادبی و هم در حیطه زبان است. بدلیل مراوده و اعزام افراد مختلف به اروپا و همچنین ورود مستشاران و سفیران، بکارگیری واژه‌ها و کلمات فرانسوی و انگلیسی در این دوره زیاد میشود؛ که از دلایل اصلی آن نبود معادل متضمن معنای جامع و کامل فارسی و یا بافت متفاوت قدرت و فرهنگ در کشورهای اروپایی است که ایجاب میکند آن واژه‌ها در فارسی معادل نداشته باشند (ن.ک همان: ص ۵۲، ۶۴، ۶۶، ۹۴).

استفاده از زبان طنز

«امین‌الدوله» در کتاب خود برای بیان منظورش از ابزارهای زبانی متعددی استفاده کرده که زبان طنز در این میان دارای بسامد بالایی است. در ماجرای رفتن امینه اقدس به زیارت آستان قدس رضوی برای شفا یافتن «امین‌الدوله»، با استعاره تهکمیبه ذخیره سفر این گروه را اینگونه بیان میکند: «در طی طریق علی‌التحقیق پا به هر وادی که گذاشتند، آبادی نگذاشتند. از حاصل باغ و صحرا تا اسباب خانه و دکان هر چه به نظر می‌آمد، الجه اشقیاء میشد و از هر گونه شناخت خودداری نمی‌کردند. طبقات دیگر هم که با قاطرچیان هم‌طوبله بودند خوی آنها را آموخته، آتش بیداد افروختند. حتی خواجه‌سرایان و خدمه مخصوص امینه اقدس نیز در مایملک مردم اولی به تصرف شدند و هرگز در هیچ سفر زیارت اینقدر ثواب و نیک‌نامی اندوخته نشده بود» (همان: ص ۱۳۶).
یا در ادامه همین مطلب و بازگشت امینه اقدس از مشهد نوشته است: «امینه اقدس از مشهد برگشت... کور و پشیمان به تهران عود نمود حالا بگوئیم که مردم بدبخت... چه تملقات خنک که نکردند و چه خودشیرینیهای تلخ که بکار نبردند تا چند منزل مستقبلین به یکدیگر سبقت می‌جستند و از غبار موکب این کور کحل‌البصر می‌ساختند» (همان: ص ۱۳۷).

ساختار متون سنتی در کتاب

در دیباچه کتاب همانند شاعران و نویسندگان دوره‌های سبک خراسانی و... در ستایش خرد مطالبی آمده که هم از لحاظ ساختار زبانی و هم ساختار معنایی شبیه دوره‌های گذشته است. «به نام پاک ایزد دادگر که گیتی را به فروغ دانش روشنی داد و مردم را از دیگر جانوران به زیور خرد برتری بخشید تا به پرتو این چراغ آسمانی بد از نیک بشناختند و با دیده دانایی روشن از تاریکی بدانستند، و از خدای بهترین درود بر آن پیمبر تازی و خاندان یاران او باد که...» (همان: ص ۳)

یا در صفحات دیگر هنگامی که به بیان عشق‌ورزی امین‌السلطان به یکی از خواجه‌سرایان حرمسرا میرسد، سبکی شبیه «کلبله و دمنه» یا «مرزبان‌نامه» را پیش می‌گیرد: «وزیر اعظم را با یک تن از خواجه‌سرایان حرم همایونی الفتی پیدا شد که طلعتش ماه را تاب میداد و طره‌اش سنبل را آب، عارضی به طراوت گل، ذقنی به صفای سیم، لطفی به غایت و ملحی به نهایت، اندامی ظریف و اطرافی فراهم.

و شادن وجهه بالحسن مخطوط و خده بمداد الخال منقوط

لوکان یدرکه لوط النبی لما ینهی الوری ابدأ عن مثله لوط

و نعم ما قال ابونواس

رشا لولا ملاحظه //// خلعت الدنيا من الفتنة

بیچاره گرفتار و مفتون بود و راز از پرده بیرون افتاده، کار از نظربازی به دست‌درازی کشید که تاب و شکیب در دل مشتاق نمی‌گنجد که طبع موزون است...» (همان: ص ۱۱۷-۱۱۸).

سطح ادبی

مراعات‌النظیر: «نایب‌السلطنه از جواب آنها بیشتر دل باخت. خواه ناخواه از عمارت خورشید، مانند ماه طلوع کرد و سران سپاه چون دختران نعل به پیراهن جدی اطراف شاهزاده را گرفتند...» (همان: ص ۱۵۱).

استعاره کنایی: «هوش و ادراک فطری ولیعهد را به قدر ضرورت بیدار کرد و بخت بیدارش مددکار شد... این تنها دویابی بود که می‌توانست مزاج مملکت و بنیة دولت را از اخلاط فاسد و علل مزمنه عهد محمد شاه پاک و پیراسته کرد» (همان: ص ۹).

تشبیه مرکب: «حرکت جاهلانه که قصد معلوم و نیت محکم ندارد، غریدن ابرهای تابستان و گرمای آفتاب زمستان را مانند است» (همان: ص ۱۵۲).

ساختارهای کنایی و استعاره‌های تمثیلیه: همانگونه که در ابتدا گفته شد، یکی از ویژگیهای زندگی‌نامه‌های دوره قاجار استفاده از زبان کنایی برای ارتباط صمیمیتر با مخاطب است؛ از سوی دیگر بنظر میرسد امین‌الدوله برای اقناع مخاطب درمورد موضوعاتی که مطرح میکند از این امکان استفاده کرده است (همان: ص ۷۲، ۷۳، ۷۸، ۱۰۹، ۱۱۶، ۱۱۷، ۲۰۸).

«گاهی رؤسا و اکابر خلوتیان ار کنکاش و مشورتی با یکدیگر داشتند... میعاد آبدارخانه بود و به این سبب که آقا ابراهیم حافظ سر ایشان باشد، رعایت جانب او را به نظر می‌گرفتند، او هم به قول معروف با آب حمام دوست میگرفت» (همان: ص ۲۴).

«توقع فایده از چنین مجلس که همه مدعی نظم و دشمن تربیتند، چنان است که از مرض علاج پرسیدن و از سم تریاق خواستن» (همان: ص ۷۲).

«روز دیگر صدراعظم و امین‌الملک و حاجی امین‌الضرب به حضور شاه آمدند. آسمان را ریسمان نمودند، آفتاب را گل‌اندود کردند» (همان: ص ۱۸۷).

استفاده از آیات و تعابیر قرآنی

«امین‌الدوله» گاهی از آیات قرآن برای تعریف و تمجید از خود و انتقاد از طرف مقابل استفاده کرده است (همان: ص ۱۶۵).

هنگامی که به دستور شاه مسکوکات نصرالسلطنه را میسجند مینویسد: «از این طرف «امین‌الملک» که به خزانه اندرون رفت، از دوقرانیهای حاجی محمد حسنی بیرون نیاورد که با پول نصرالسلطنه هم‌ترازو شود و بلکه از کیسه‌های یک‌قرانی زمان تصدی امین‌الدوله برداشت که وزن آن سنگین و عیارش سالم بود، بعلاوه میزان عمل را به کف کفایت صرافان خزانه دادند (الذین اذا کالوهم او وزنوهم یخسرون)» (همان: ص ۱۳۰).

درج شعر در ساختار نثر: هنگام امضای چهل نسخه سند وام‌رژئی توسط شاه مینویسد: «چهل نسخه سند وام‌رژئی به امضای شاهنشاه به بانک تسلیم و گمرک بنادر خلیج فارس را به گرو این قرض تعیین کردند، که ای صوفی شراب آنکه شود صاف که در شیشه بماند اربعینی» (همان: ص ۱۵۹). و با همان منظور و این بار برای نشان دادن بی‌اختیاری ناصرالدین شاه مینویسد: «و داغ چنین ضرر را به ناصرالدین شاه گذاشت تا بعد از این رمق و جرئت هیچ کار نداشته و در پس آینه طوطی صفت آن گوید که استاد میگوید» (همان).

جملات مسجع و موزون: «شمارهٔ زوجات از حد نصاب گذشت، تعداد بنین و بنات آب و اعتبار دودمان را برد عیش مهنا و ریش محنا بود» (همان: ص ۵).

بکار بردن کنایات عربی: کنایاتی که در این کتاب بکاررفته بخشی از یک آیهٔ قرآن، یا مصرعی از شعر عربی است که به ذکر شعر و اسامی چند نمونه از این شاعران میپردازیم:

«چندی ماهی بر این نسق گذشت و قسمت عمدهٔ حواس شاه و اولیای دولت به تدبیر جمع‌آوری غلات و تدارک آذوقه شهر تهران مصروف بود چراکه قصور ارتفاع و کمبود مزروع در همهٔ اقطاع مملکت وقوع یوم یغاث الناس و قحط سال عمومیرا محقق میکرد» (همان: ص ۲۹). این اصطلاح برگرفته از این آیهٔ قرآن است: «ثم یاتی من بعد ذلک عام فیه یغاث الناس و فیه یعصرون» (یوسف: ۴۹).

«جز اینکه شاه را یک قصور مجهول و مخطور غیرمعقول از سرعت اقدام بازمیداشت و خرابی بنیان چون سنگ غلتان از فراز کوه به پایان یا - کریشته به لهاب الریح ساطعه - لا تستقر علی حال من الفلق» (همان، امین‌الدوله: ص ۱۸۱).

شعری که امین‌الدوله ذکر میکند از «ابوالطیب المتنبی» است و به این معناست: «او از اضطراب مانند پری که در مکان وزش باد افتاده باشد، بر هیچ حالتی پایدار نمی‌ماند» (شرح دیوان المتنبی، البرقوقی، ج ۲: ص ۶۵۹).

«اندک مرده جنبیدن گرفت و اول الغیث ثم ینهمر» (امین‌الدوله، همان: ص ۲۲۱). این اصطلاح عربی را امین‌الدوله از شاعر عرب «کمال‌الدین ابن‌البنیه» (۵۶۰-۶۱۹ هـ) اقتباس کرده است. بیت کامل این شعر:

لله فی ملوککم سرّ سیّطهره و اووول الغیث ثم ینهمر

آغاز باران قطره کوچکی است و سپس با قدرت و فراوانی میریزد. «از انحصار عمل دخانیات و اقدامات دستگاه رژئی که فصل و ابواب آن را به مردم گوشزد نکرده و در دفتر مخصوص وزارت اعظم نهفته بودند، زاد فی الطنبور نغمه و فی الطین بله» مردم بهانه وسیله بدست آورند که...» (همان: ص ۱۴۴).

نتیجه‌گیری

امین‌الدوله یکی از رجال سیاسی برجستهٔ دورهٔ قاجار است که افزون بر نقش وی در دستگاه حکومت، یکی از نمونه‌های نخست زندگی‌نامهٔ خودنوشت را با تمرکز بر خاطرات سیاسی نگاشته است. همهٔ این کتاب دستنوشته و تقریرات امین‌الدوله نیست، زیرا انشا و نثر ۳۶ صفحهٔ آخر کتاب استحکام و زیبایی قسمتهای پیشین را ندارد و دیگر اینکه انتقادات این قسمت مغرضانه‌تر و بکلی خالی از ظرافت است و از حوادثی سخن رفته است که زمان حیات مؤلف را در برنمیگیرد. زندگی‌نامهٔ «امین‌الدوله» ویژگی زندگی‌نامه‌های خودنگاشت رسمی را داراست و صمیمیت زیادی با خوانندهٔ خود بوجود نمی‌آورد. «امین‌الدوله» این کتاب را مانند کارنامهٔ اعمال یا بمثابة دفاعیه‌ای از کردار خویش نگاشته است، پس لزوماً در پی ارائهٔ اندیشه‌های خود است. چنین زندگی‌نامه‌ای ماهیتاً نمیتواند به آن میثاق خودزندگی‌نامه‌نویسی یعنی راست‌گویی پایبند باشد. امین‌الدوله در بازگویی اعمال، کردار و اخلاق خود

بگونه‌ای «گزینشی» عمل کرده است. در بازنمایی مسائل اجتماعی ایران، نویسنده اقبال‌چندانی به تشریح وضعیت جامعه ندارد، مگر اینکه در این صحنه‌ها به توصیف اقدامات سازنده خود بپردازد. رویکرد انتقادی به مسائل در اثر مشهود است و آماج این انتقادات متوجه شاه، درباریان و پاره‌ای از رفتارهای عامیانه مردم است. امین‌الدوله برای بیان منظور و اقناع مخاطب از ابزارها و تمهیدات زبانی و ادبی متعددی استفاده کرده است؛ زبان طنز یکی از این آنهاست که در قالبهای مختلف همچون استعاره‌های تهکمیه، تعریض و... مقصود خود را بیان کرده است. نزدیک نمودن اثر به متون کهن فارسی، استفاده از فنون بلاغت شعر فارسی در نثر از شاخصه‌های دیگر اثر او است.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- ,Abdul Ghani Hassan, Mohammad. (۱۹۸۳). Biographies, Translated by Amire Zamiri. *Fiction*, No. ۱۰۴, pp. ۹-۱۳.
- ,Al-Barquqi, Abdul Rahman. (۱۴۲۲). Description of Diwan Al-Mutanabi, Part Two. Beirut: Dar al-Fikr, p. ۶۵۹.
- Amin al-Dawla, Mirza Ali Khan. (۱۹۷۶). Political Memoirs, By the effort of Hafez Farmanfarmayian, second edition, Tehran: Amirkabir.
- .Amiri, Mehrab. (۱۹۶۸). Political life of Atabak Azam, Tehran: Shargh Print, p. ۷۸.
- .Anvari, Hassan. (۱۹۹۰). Dictionary of Biographies, Tehran: Raja Cultural Center, p. ۹.
- Bamdad, Mehdi. (۱۹۶۸). Biography of Iranian men in the ۱۲th, ۱۳th and ۱۴th centuries, Volume ۴, Tehran: Bazargani Bank Press, p. ۳۵۵, ۳۶۱, ۳۲.
- Caden, John Anthony. (۲۰۰۱). Dictionary of Literary Terms, Translated by Kazem Firoozmand, Tehran: Shadegan, p. ۴۵۲.
- .Dad, Sima. (۲۰۰۵). Dictionary of Literary Terms, Second Edition, Tehran: Morvarid.
- Evotadia, Jean. (۱۹۹۹). Literary Criticism in the Twentieth Century, Translated by Mahshid Nonhali, Tehran: Niloufar, p. ۲۹۷.
- Islami, Mehdi. (۲۰۰۹). A Study and Comparison of Autobiographies in Iran and the West, Master Thesis. Qom: Qom University, p. ۳۰.
- Kermani, Nazim al-Islam. (۱۹۶۸). History of Iranian Awakening, Tehran: Iranian Culture Foundation, p. ۷۸.
- Mozen, Zahra and Javari, Mohammad Hossein. (۲۰۰۳) Autobiography and its theoretical topics in France, *Allameh Quarterly*, (۴) ۱, pp. ۱۰۳-۱۲۶.
- .Safa'ei, Ibrahim. (۱۹۸۱). Constitutional leaders, Tehran: Offset, p. ۲۴, ۳۶۵.

.Sh'abani, Ali. (۱۹۸۷). *Hezar Famil*, Tehran: Bouali, p.۱۲۵
.Shamisa, Sirus. (۲۰۰۲). *Literary types*, Tehran: Ferdows, p.۲۸۲

فهرست منابع فارسی

- اتوبیوگرافی و مباحث نظری آن در فرانسه، موزن، زهرا و جواری، محمدحسین. (۱۳۸۲). *فصلنامه علامه*، (۴) ۱، صص ۱۲۶-۱۰۳.
- انواع ادبی، شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). تهران: فردوس.
- بررسی و مقایسه زندگی‌نامه‌های خودنوشت در ایران و مغرب زمین، اسلامی، مهدی. (۱۳۸۸). *پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد*. قم: دانشگاه قم.
- تاریخ بیداری ایرانیان، کرمانی، ناظم‌الاسلام. (۱۳۴۷). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- خاطرات سیاسی، امین‌الدوله، میرزاعلی‌خان. (۱۳۵۵). به کوشش حافظ فرمانفرمایان، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- رهبران مشروطه، صفائی، ابراهیم. (۱۳۶۰). تهران: چاپ افست.
- زندگی سیاسی اتابک اعظم، امیری، مه‌راب. (۱۳۴۷). تهران: چاپ شرق.
- زندگی‌نامه‌ها، عبدالغنی حسن، محمد. (۱۳۶۲). *ترجمه امیره ضمیری، ادبیات داستانی*، شماره ۱۰۴، صص ۱۳-۹.
- شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، بامداد، مهدی. (۱۳۴۷). جلد ۴، تهران: چاپخانه بانک بازرگانی.
- شرح دیوان المتنبی، البرقوقی، عبدالرحمن. (۱۴۲۲). *جزء دو، بیروت: دارالفکر*.
- فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، سیما. (۱۳۸۴). چاپ دوم، تهران: مروارید.
- فرهنگ اصطلاحات ادبی، کادن، جان آنتونی. (۱۳۸۰). *ترجمه کاظم فیروزمند*. تهران: شادگان.
- فرهنگ زندگی‌نامه‌ها، انوری، حسن. (۱۳۶۹). تهران: مرکز فرهنگی رجا.
- نقد ادبی در قرن بیستم، ایوتادیه، ژان. (۱۳۷۸). *ترجمه مهشید نونهالی*، تهران: نیلوفر.
- هزار فامیل، شعبانی، علی. (۱۳۶۶). تهران: بوعلی.

معرفی نویسنده

مهدی اسلامی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، قم، ایران.

(Email: m.eslami@isri.ac.ir)

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introduction of the author

Mehdi Eslami: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Imam Sadegh (AS) Institute of Islamic Sciences, Qom, Iran.

(Email: m.eslami@isri.ac.ir)